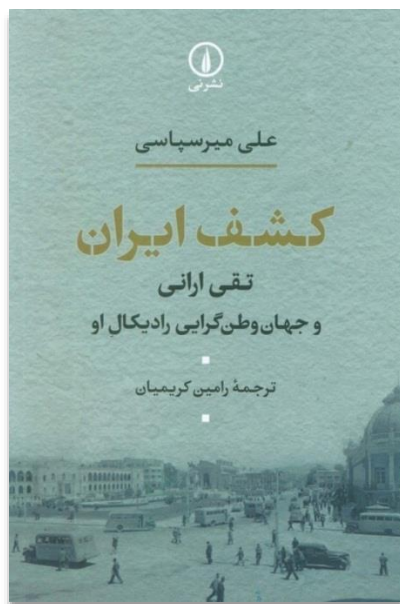


جوان‌مرگی متفکری یگانه

نگاهی به کتاب «کشف ایران، تقی ارانی و
جهان‌وطن‌گرایی رادیکال او»، نوشته‌ی علی میرسپاسی

تألیف
تقریباً

حمید نامجو



«ارانی با به کار گرفتن نقد علنی، منطق مکالمه‌ای (دیالکتیکی) را به همه ارزیابی‌های خود از پیشرفت و توسعه و عدالت وارد کرد. در نظر او هیچ جزمی وجود نداشت که نشود از آن انتقاد کرد و هیچ باور یا اعتقادی هم برایش تابو نبود. در نظر او چپ متعهد بودن بیش و پیش از هر چیز دیگر به معنای شهادت برای در افتادن با راست‌کیشی‌ها بود و نه بازساختن راست‌کیشی‌های دیگر. بدون تردید او منتقد غرب مدرن و به‌ویژه نظام‌گیری دهه‌های ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم بود که همچون خوره جسم و جان اروپا را خورده بود. او آنقدر بصیرت داشت که بفهمد آرزویش برای رسیدن به آینده‌ای مرفه برای کشورش و مردم آن و نیز مردم سراسر جهان مستلزم برخورداری از بینشی ملهم از اخلاقی است که هم به عدالت باور داشته باشد و هم به برابری اجتماعی، اخلاقی که ضمن باور به این ارزش‌ها به دستاوردهای روشنگری هم پای‌بند باشد و گردن نهد» (صفحه ۲۳۸ کتاب)

عبارت بالا آخرین پاراگراف کتاب «کشف ایران، تقی ارانی و جهان‌وطن‌گرایی رادیکال او» نوشته‌ی «علی میرسپاسی» است. این پاراگراف به عبارتی نتیجه‌گیری نویسنده از تحقیق غنی و گسترده‌ای است که از زندگی، کتاب‌ها، مقالات، کنش‌ها و افکار «دکتر تقی ارانی» به‌دست داده است.

بدون تردید ارانی یکی از مهم‌ترین متفکران و روشنفکران ایرانی در سده‌ی چهاردهم خورشیدی است. روشنفکری که سال‌ها در غرب زندگی کرده و آموخته بود و با درکی عمیق از «مفهوم مدرنیته» و «تفکر انتقادی» به کشور بازگشت تا شاید در دنیای فکر و اندیشه‌ی ایرانی منشاء تغییر و تحولی باشد. ارانی در مقابل سه جریان «سنت‌گرایی و عرفان»، «باستان‌گرایی» و «سره‌گرایی»، که همگی به‌نوعی متأثر از ایده‌ی «بازگشت به خویش» و مرجع ساختن ملی‌گرایی و بومی‌گرایی بود؛ به‌نوعی پرچم «جهان‌گرایی» و «جهان‌وطن‌گرایی» را برافراشت. به این مفهوم که زیستن در جهان امروز ملازم برخورداری از تفکر و تکنولوژی مدرن است و پیشرفت و توسعه‌ی ایران درگرو استقرار بده‌بستان با جهان غرب است. از علوم جدید و مدرنیته نمی‌توان

چشم‌پوشی کرد و دور ایران را با انگاره‌های بومی‌گرایی دیوار کشید، بلکه یک تعامل سازنده و انتقادی می‌تواند آرزوهای جوانان ما را محقق کند و نه صرفاً گرفتن مجلس ختم کورش و داریوش یا ضدیت با زبان و فرهنگ عرب. جهان امروز محاط به مرزهای زبانی و قومی و جغرافیایی باقی نخواهد ماند. مفاهیم و انگاره‌های دیگر به درون مرزهای ما سرریز خواهد کرد. وجود «دیگری» حذف‌ناشدنی است و به‌نوعی نه تنها پیشرفت علمی و فناوریانه بلکه حتی تحقق همزیستی عادلانه و صلح‌آمیز اقوام و گروه‌های مختلف در ایران در یک تعامل عادلانه با دیگری ممکن خواهد شد. علی‌میرسپاسی از این نگرش ارانی با عنوان «جهان‌وطن‌گرایی» یاد می‌کند که قطعاً با مفهوم «انترناسیونالیسم سوسیالیستی» یا «انترناسیونالیسم پرولتری» که اغلب در ذهن داریم تفاوت دارد. در واقع عبارت جهان‌وطن‌گرایی رادیکال معادل عبارت Radical Cosmopolitan در نظر گرفته شده‌است. گرچه این عبارت خوانا خواه همان واژه‌ی انترناسیونالیسم را به ذهن متبادر می‌کند که البته مورد نظر نویسنده نیست.

درمورد زندگی تقی ارانی، مقالات منتشر شده‌ی او در آلمان، همکاری با نشریات «کاوه» و «ایران‌شهر»، بازگشتش به ایران در سال ۱۳۰۸ و آغاز دوران تدریس در دبیرستان‌های تهران و در وزارت جنگ، انتشار چند کتاب علمی در تهران، انتشار دوساله‌ی مجله دنیا، تشکیل گروه ۵۳ نفر، دستگیری، محاکمه و در نهایت قتل عامدانه‌ی او در زندان در سن ۳۹ سالگی کتاب‌ها و مقالات پرتعدادی منتشر شده‌است که ازجمله مهم‌ترین آنها می‌توان به «خاطرات سیاسی و...» از «نورخامه‌ای»، «پنج‌ه‌وسه نفر» از «بزرگ علوی»، «تاریخ فرقه‌ی جمهوری انقلابی ایران و گروه ارانی» از «حمید احمدی (ناخدا)»، «دنایای ارانی» اثر «باقر مومنی»، «ارانی فراتر از مارکس» اثر «حسین بروجرودی»، «ارانی در آینه تاریخ» از «خسرو شاکری»، «تقی ارانی یک زندگی کوتاه...» از «یونس جلالی»، «برلنی‌ها» از «جمشید بهنام» و... اشاره کرد. همچنین در کتاب‌های خاطرات «ایرج اسکندری»، «سیدحسن تقی‌زاده»، «بزرگ علوی» و نیز در کتاب‌های «ایران بین دو انقلاب» از «یرواند آبراهامیان» و «بازیگران عصر پهلوی» از «محمود طلوعی» اشاراتی به ارانی یافت. این کتاب‌ها و البته سایر اسناد به‌جا مانده در آرشیوها و نشریات متعدد، نیز منابع و مأخذ مورد مراجعه علی‌میرسپاسی بوده‌اند.

هر محقق یا تاریخ‌پژوهی در بازخوانی این کتاب‌ها گاهی به نتایجی متفاوت یا حتی متناقض با آنچه در منابع دیگر نقل شده است می‌رسد. نتایج یا تصاویری که راستی‌آزمایی آن‌ها و بررسی صحت برخی مدعیات نقل شده در آن‌ها غیرممکن است. درواقع مواجه شدن با این تناقضات در تاریخ‌نگاری و تحقیقات تاریخی امری طبیعی و گریزناپذیر است. زیرا اغلب بر صحت مفاد یک یا چند سند یا ادعا پایه‌گذاری شده و توسعه یافته و گاه داوری پیشینی تاریخ‌نگار نیز در آن دخیل است. به‌عنوان مثال در مورد علل دستگیری گروه ۵۳ نفر روایت آبراهامیان بر مبنای روایت برساخته‌ی حزب توده و به‌خصوص روایت «عبدالصمد کامبخش» و آن دسته از اعضای گروه ۵۳ نفر است که در مهر ۱۳۲۰ بخشی از هیئت موسس «حزب توده ایران» را تشکیل دادند. اما روایت حمید احمدی یا باقر مومنی و دیگر جداشدگان که بعدها از حزب توده منفک شده و موضعی انتقادی گرفته بودند روایتی یکسر متفاوت است.

به‌هرحال از این روایت‌های مختلف و متکثر و گاهی متضاد گریزی نیست. اما خوشبختانه علی میرسپاسی از درافتادن در چالهِی این بخش از زندگی دکتر ارانی حذر کرده است. او نمی‌خواهد در مقام داوری درباره‌ی صحت روایت این یا آن گروه قرار گیرد. یا درباره‌ی دیدگاه‌های سیاسی او به‌خصوص در ارتباط با مواضع «حزب کمونیست شوروی» و سیاست‌های «کمین‌ترن» حرفی بزند و یا نیت‌خوانی کند. هدف او از این پژوهش بازخوانی افکار و ایده‌های تقی ارانی و چالش‌ها و مسایل ایران در دوره‌های مختلف زندگی اوست. مبنای تحقیقات میرسپاسی نوشته‌ها و آثار قلمی ارانی است، چه در نشریاتی که در آلمان منتشر شدند و چه در کتاب‌ها و به‌خصوص مقالات ارانی در «مجله دنیا». میرسپاسی با تعقیب و مقابله‌ی آثار و مقالات او از ابتدا تا انتها و تغییر تدریجی نگرش اولیه‌ی او در مورد انگاره‌های «زبان» و «ملی‌گرایی» سعی کرده نگرش او به مفاهیم و انگاره‌های مختلف و البته در تعاطی یا تقابل با اندیشه‌ها و نگرش‌های مطرح زمانه و ایده‌های متفکران و روشنفکران هم عصرش را بررسی و تحلیل نماید. درواقع از تحلیل این نوشته‌ها و مکتوبات ما با عمق اندیشه‌های ارانی آشنا می‌شویم و درمی‌یابیم که با یکی از مهم‌ترین متفکران ایرانی نه فقط دوران حیات خودش بلکه در تمام طول سده چهاردهم مواجه هستیم و به‌خصوص درمی‌یابیم که چرا میرسپاسی از صفت جهان‌وطن‌گرایی رادیکال برای ارانی استفاده کرده است.

میرسپاسی کوشش‌های ارانی را به دو گروه یا دو رشته‌ی متفاوت تقسیم‌بندی می‌کند. گروه اول همت او در نشر دست‌آوردهای علوم جدید، مقالات علمی، توضیح علمی پدیده‌های طبیعی و مقالاتی از این دست بود. شاید در آن دوران مجله دنیا تنها مرجع قابل‌اتکای علوم جدید بود و به همین دلیل دانشجویان و دانش‌آموزان بیشترین خریداران مجله دنیا بودند و از آن استقبال می‌کردند. اما به‌غیر از مقالات علمی بخش عمده‌ی مقالات دنیا به مسایل اجتماعی اختصاص داشت. درواقع ارانی اذهان جوانان و افکار عمومی را در جامعه‌ی فروبسته و تحت انقیاد دیکتاتوری رضا خانی به‌خصوص در فقدان مطبوعات آزاد و فضای بحث و گفت‌وگو در معرض تهدید سه جریان فکری می‌دید و با تمام توان می‌کوشید با روشنگری مضرات و خطرات سلطه‌ی این سه جریان را خنثی نماید.

سه جریان فکری در دوران ارانی

اولین جریان فکری موردانتقاد ارانی عرفان‌گرایی و تشبث به سنت‌های به‌اصطلاح عرفانی در تاریخ گذشته‌ی ایرانیان بود. تسلیم در برابر تقدیر، بی‌اعتنایی به جیفه‌ی دنیا، اهمیت ندادن به جهان گذرا و تقبیح نگرش غرب‌گرا از نگاه ارانی فقط اظهار تسلیم نبود. بلکه دام و فریبی بود که بر سر راه جوانان و روشنفکران پهن شده بود تا بی‌عملی و لختی را به آنان تزریق نماید. تا از وضع موجود شاکر باشند و هر اقدامی برای تغییر را، ابلهانه و بی‌فایده و حتی مضر قلمداد کنند. جالب بود که این نگرش در بین افراد طبقات بالا که نگرانی معیشت نداشتند طرفداران بیشتری پیدا کرده بود. ارانی پیش از آمدن به ایران نیز کتابی در ردِ عرفان‌گرایی نوشته بود و در مقالات متعددی در مجله دنیا بارها به آن پرداخت.

یکی دیگر از انگاره‌های مطرح در آن روزگار باستان‌گرایی به قول ارانی «شوونیستی» بود. این باستان‌گرایی که نتیجه‌ی کشف دوباره‌ی ایران یا بازنگری به ایران از دریچه‌ی چشم دیگران بود، از قبل از دوران مشروطیت آغاز شده بود. ایرانیان کم‌کم دریافته‌اند که ایران گذشته‌ای غنی داشته و به همین دلیل گروهی از تحصیل‌کرده‌ها هدف خود را بازیابی مجد و شکوه ایران باستان اعلام کردند. این

باستان‌گرایی به‌خصوص در دوران رضاخان طرفداران بسیاری پیدا کرد. مظاهر و نشانه‌های باستان‌گرایی انجمن‌ها نشریات و همایش‌هایی بود که برگزار می‌شد. چنان‌که هزاران بار برای کوروش و داریوش مجالس ذکر (ختم) برگزار گردید اما زیستن در جهان نو نیاز به برخورداری از دانش نوین و تکنولوژی جدید داشت. با نشان فروهر هیچ معدنی شکافته نمی‌شد. سفری کوتاه‌تر یا ارتباطی سهل‌تر نمی‌شد. ارانی سعی کرد در مقالات مختلف نشان دهد که زیست در دنیای امروز نیازمند علم و فناوری جدید است. فقط در یک تعامل سازنده با جهان غرب و با دیگر ملل جهان است که صلح و رفاه و آزادی محقق می‌شود نه باکوبیدن بر طبل‌های برتری قومی یا مجد و فر گذشته. ارانی در برابر وطن‌گرایی شووینیستی از جهان‌وطن‌گرایی دفاع می‌کرد و نام کتاب هم به همین امر اشاره دارد.

سومین ایده‌ای که ارانی به نقد آن همت گماشت ایده‌ی «سره‌گرایی» بود. یعنی پاک‌کردن زبان فارسی از لغات و اصطلاحات عربی. در این روند شاهد احیای لغات مثلاً زبان پهلوی به منظور جایگزینی آن با واژه‌های عربی بودیم. بنابراین در این سره‌گرایی دشمن اصلی زبان عربی اعلام می‌شد. زبانی که به گفته‌ی ارانی بیش از ۶۰ درصد واژه‌های رایج در زبان فارسی را تشکیل می‌داد.

«زبان فارسی» در طول فعالیت‌های علمی و اجتماعی ارانی همواره مورد توجه او بود. هم در مقالاتی که در نشریات کاوه و ایرانشهر نوشت و هم در مقالات مجله دنیا. ارانی زبان فارسی را هویت مشترک ایرانیان می‌دانست، حتی در اقوامی همانند آذری‌ها که به زبان فارسی حرف نمی‌زنند. مقالات ارانی درباره‌ی زبان و ادبیات فارسی پرشمار هستند. در عین حال او نمی‌توانست در مقابل مدعیان بی‌فکر خالص‌سازی زبان فارسی سکوت کند. به‌راستی با خارج کردن ۶۰ درصد لغات رایج در یک زبان از آن چه باقی خواهد ماند؟ بخش اعظم جمعیت کشوری بزرگ، به مشتی گنگ و بی‌زبان تبدیل نخواهد شد؟ در جهانی که روبه‌روز با کسب دست‌آوردهای جدید علمی و افزودن لغات بی‌شمار برحسب ضرورت روبرو هستیم و می‌دانیم که این لغات جدید از ضروریات زیست در جهان است، وقتی واژه‌ی معادلی در زبان ما وجود ندارد چه باید کرد؟ آیا باید برگشت به زبان اشاره؟! مگر انگلیسی‌ها زبان خود را از زبان لاتینی پالوده‌اند که ما چنین کنیم؟ ارانی حتی با ورود لغات فرنگی به زبان فارسی مخالفتی نداشت. زیرا

استفاده از این واژه‌ها را دنیای علم و فناوری به ما تحمیل می‌کند و مقاومت در برابر آن بی‌فایده است. جالب است که این خالص‌سازی زبان و این اراده‌گرایی بی‌حاصل در حاله‌ی نقشی معین به زبان فارسی پس از گذشت صد سال کماکان ادامه دارد و زبان فارسی مثل هر زبان زنده‌ی دیگر بی‌اعتنا به اراده‌ی حاکمان و عمال آنان در «فرهنگستان»‌ها، به راه خود می‌رود.

کشف ایران

عنوان «کشف ایران» قبل از هرچیز تداعی‌کننده‌ی کتاب «کشف هند» اثر «جواهر لعل نهرو» متفکر و سیاست‌مدار مشهور هندوستان است. نهرو در آن کتاب که می‌شود آن را مانیفست نهرو و چارچوب نگرش او به آینده‌ی هندوستان پس از استقلال تعبیر کرد، ضمن اشاره به اقوام و فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متعدد و مختلفی که در محدوده‌ی جغرافیایی هند زندگی می‌کنند سعی کرده عناصر مشترک و سیاسی این اقوام و فرهنگ‌ها را نشان دهد تا همین عناصر مشترک عامل نوعی «رگرسیون» یا هم‌گرایی اجتماعی شود و در نهایت به قوام مفهومی به‌نام «ملت هند» کمک کند. درواقع هدف نهرو هم‌نشینی و تعامل فرهنگ‌ها و اقوام مختلف بر مبنای اشتراکات و البته به شکلی دموکراتیک بود تا از آن میان انگاره‌ی ملت هند تحقق پیدا کند. به عبارت بهتر نهرو آن ناسیونالیسمی را نمایندگی می‌کند که بر مبنای اشتراکات فرهنگی مردمی که در داخل مرزهای جغرافیایی هندوستان شکل گرفته و تعامل بین آنها دموکراتیک هم باشد.

میرسپاسی تأکید دارد که ناسیونالیسم ایرانی که تاریخ آن به قبل از انقلاب مشروطیت بازمی‌گردد در ابتدا به‌جای در خود جای‌دادن اشتراکات فرهنگی اجزای موجود در این محدوده‌ی جغرافیایی، و تعاملی دموکراتیک بین آنها، بیشتر شکلی شوونیستی و گاه نژادپرستانه داشته است. تأکید بر این ادعا که ایرانیان در تاریخ چنین و چنان بوده اند و ما صاحب مشرق و مغرب بوده‌ایم و فعلاً نیز خودبسنده و از عالم و آدم برتریم. ...

این نوع ملی‌گرایی هم مقوم دیکتاتوری رضاخانی بود و هم از آن نیرو می‌گرفت. گرایش به فاشیسم و نازیسم در میان برخی از تحصیل کرده‌ها و حتی مدیران دولتی و افسران ارتش در یک‌چهارم پایانی دوران حکومت رضاخان نتیجه‌ی همان باستان‌گرایی شووینیستی بود. دکتر ارانی سال‌ها قبل از ظهور گرایش‌های فاشیستی در ایران بر علیه این شووینیسم ملی‌گرا، و عرفان‌گرایی سنتی که از قضا در تقدیس مرگ تجانسی شگفت‌آور با فاشیسم دارد، علم مخالفت برافراشت. «ارانی با تکیه بر اخلاقی جهان‌وطن‌گرایانه، ایرانیان را به مراقبت از میهن دعوت می‌کرد. وطن‌پرستی در ذهن او عبارت بود از این‌که توده‌ی مردم از زمین و آب و افتاب و معدن یک سرزمین حیات خود را تأمین می‌کنند، در آن سکنا دارند و بدان علاقه دارند. شاید بتوان گفت ملی‌گرایی ارانی ملی‌گرایی مدنی و در ادامه‌ی مطالبات عصر مشروطیت بود.» (نقل از پشت جلد کتاب)

نکته‌ی آخر این که تقی ارانی هنگام بازگشت به ایران فقط ۳۱ سال داشت. او در طی ۱۰ سال اقامت در آلمان نه‌تنها موفق به دریافت دکترای شیمی شد بلکه مدتی در دانشگاه فلسفه خواند. به مدت دو سال در مدرسه‌ی زبان‌های شرقی فارسی و عربی تدریس کرد. در تصحیح یکی دو کتاب با شرق‌شناسان آلمان همکاری کرد و ده‌ها مقاله درباره‌ی زبان فارسی و هویت ایرانیان منتشر کرد. او فقط شش سال در ایران کار و زندگی کرد و حاصل آن انتشار ۱۲ شماره از مجله دنیا در طی دو سال؛ چند کتاب علمی و تحقیقی و تدریس در دبیرستان‌های تهران و وزارت جنگ بود. آثار او در این دوره گویای ذهن روشن و منظم او و اراده‌ی محکم او برای تأثیرگذاری بر جوانان و کمر همت بستن برای فهم جهان و تغییر آن است. گستردگی عرصه‌های مختلفی که او در آن قلم زده حیرت‌آور است و از او متفکری یگانه و کم‌نظیر ساخته است. به‌راستی جای تأسف است که تا این حد مورد قدرشناسی قرارگرفت و او را به اتهامی واهی دستگیر و در دادگاهی فرمایشی به تحمل ده‌سال زندان محکوم کردند. اما به همین اکتفا نکردند. در زندان نیز او را از حداقل حقوق انسانی محروم کردند. تقاضای او برای گرفتن یک زیلوی نازک یا یک پتوی سربازی برای انداختن بر کف سیمانی سرد سلول و یک ساعت خواب بدون گزگز سرما، مسئولان زندان و دادرسی ارتش را به فکر انتقام از او انداخت. زندانبانان او را به سلولی منتقل کردند که چند زندانی مبتلا به تیفوس

در آن مرده بودند. نفر بعدی دکتر تقی ارانی بود. مهم‌ترین متفکری که دوران او به‌خودش دیده بود. دشمن چهل و بی‌عدالتی و استبداد که در نهایت مقهور دشمن سفاک گردید و در ۳۹ سالگی جوان‌مرگ شد.

کتاب «کشف ایران» بدون تردید جامع‌ترین پژوهشی است که تاکنون در تحلیل افکار و آرای تقی ارانی انجام شده است و خواندن آن به همگان پیشنهاد می‌شود.

کشف ایران، تقی ارانی و جهان وطن‌گرایی رادیکال او

نوشته‌ی علی میرسپاسی

ترجمه‌ی رامین کریمیان

نشر نی، ۱۴۰۴